

گاه‌شمار معجزه عبور از کوران حادثه‌های سال ۶۰ در بیانات امام امت قدس سره

انقلابی که خدا را داشت!

محمّدعلی روزهانی

داریم، مردم را قبول داریم. خوب، بسیار خوب، کی هست که این مردم را قبول ندارد! این مردم تعیین کردند. خوب، قبول دارید، اگر می‌گویید میزان رأی مردم است؛ خوب، رأی مردم. حالا ائتلاف کردید که به ضد رأی مردم عمل کنید؟ ائتلاف کردید که مجلس شورای اسلامی را کنار بگذارید؟ ائتلاف کردید که قوه قضائیه را کنار بگذارید؟ ائتلاف کردید دولت را کنار بگذارید؟^۳

حمایت نهضت آزادی از جبهه ملی

چرا این قدر شیطان در نفس ماها سلطنت پیدا کرده است که چشم‌های ما را کور کرده است و قلب‌های ما را وارونه کرده است؟ بیایید حساب خودتان را جدا کنید. آیا «نهضت آزادی» هم قبول دارد آن حرفی را که «جبهه ملی» می‌گوید؟ آنها هم قبول دارند که این حکم - حکم قصاص - که در قرآن کریم و ضروری بین همه مسلمین است، «غیر انسانی» است؟^۴

۲۸ خردادماه ۱۳۶۰: ضد انقلابیون دست در دست هم

امروز منافقین و جبهه ملی و حزب دمکرات و تمامی ضدانقلابیون دست در دست یکدیگر گذاشته‌اند تا شما و انقلاب پاک ملت را نابود کنند ... مگر نمی‌بینید که هر روز در گوشه‌ای جمع می‌شوند و دست به خرابکاری می‌زنند؟ مگر نبود که اگر حضور شما نبود، ابروی انقلاب شما را در جهان ریخته بودند؟^۵

اکنون که مخالفین انقلاب از توطئه‌های گذشته مأیوس شده‌اند، به شایعه سازی و دروغ پردازی کمر بسته و می‌خواهند مردم را از این راه مأیوس کنند و کشور را به دامان چپ و یا راست بکشانند...^۱

۲۵ خرداد ۱۳۶۰: از تداوم جبهه ملی

در مقابل این اعلامیه «جبهه ملی» که مخالف نص قرآن مجید است، در مقابل این که مردم را دعوت کرده است به راهپیمایی در مقابل قانون الهی، تکلیف دیگر ندارید شما؟

...تمام تکلیف‌هایی که بر ما و شما متوجه است، چه از قشر نویسندگان و روشنفکران و جبهه‌ها و نهضت‌ها و سایرین، تمام تکالیف فقط منحصر به این شده است که این جمهوری اسلامی را در خارج از کشور طور دیگری که هست نمایش بدهید، و مردم را دعوت کنید که بر خلاف جمهوری اسلامی شورش کنند؟! دیگر همه چیز درست شده است، فقط این یکی مانده؟!^۲

...وای به حال ملتی که ملی‌هایشان این باشد، و متدینینی هم که اظهار تدین می‌کنند، آن باشد، و سرانشان هم این! و اگر ندانسته می‌کنند، چه‌طور اطلاعیه «جبهه ملی» را ندیده دعوت می‌کنند به اینکه شما هم به دنبال جبهه ملی راهپیمایی کنید.^۲

ائتلاف بر ضد مردم

خوب، شما هم می‌گویید مردم را ما قبول

۱۲ فروردین ۶۰: فرمان هفت ماده‌ای

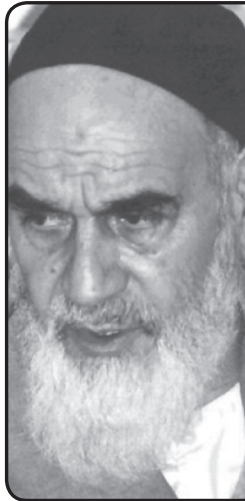
اکنون به حکم ادای وظیفه خدمتگزاری به ملت شریف، لازم است تذکراتی گرچه تکراری است، بدهم:

۱- به تمام گروه‌ها و سازمانها و احزاب و دستجات در سراسر ایران اعلام می‌شود که اگر سلاح خود را تحویل دهند و اظهار ندامت کنند، به آنان تأمین داده می‌شود و می‌توانند برادروار در کشورشان زندگی نمایند و آنچه گذشته است، مورد عفو است؛ و اگر به جنایات خود ادامه دهند، روزی که پشیمان شوند، به حکم اسلام، از آنان پذیرفته نخواهد شد...

۲- ... لازم است کسانی که به کشور و اسلام و ملت علاقه مند هستند، این راه نجات را که راه حق و مرضی خداوند متعال است، ادامه دهند و از کوچکترین اختلافات یا دامن زدن به آن، که راه شیطان و مخالف رضای حق تعالی است احتراز نمایند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند شوند و کشور راه سازندگی را پیش گیرد.

۳- بر جمیع سخنرانان، چه در محیط‌های باز و چه بسته و تمام نویسندگان، تکلیف حتمی شرعی است که حتی به‌طور اشاره و کنایه، از گفتار و نوشته‌های اختلاف‌انگیز اجتناب نمایند که امروز اختلاف برای امت اسلامی، سم کشنده است.

۷- از عموم ملت عزیز می‌خواهم که از شایعه‌ها که از طرف گروه‌های وابسته به رژیم سابق و یا بر قدرتها پخش می‌شود، بی‌اعتنا بگذرند و به اکاذیب آنان گوش نکنند.



۱ تیر ۱۳۶۰: اعلام قیام مسلحانه توسط منافقین
اعلام قیام مسلحانه در مقابل کیست؟ اعلام قیام مسلحانه در مقابل ملتی است که قریب بیست سال، و اخیراً دو سه سال، خون خودش را داده است و دست امریکا و بلوک او را و شوروی و بلوک او را از این کشور کوتاه کرده است. شما در مقابل این ملت می‌خواستید قیام بکنید! شما را وادار کردند به آن کارهایی که روی تاریخ را سایه کرد؛

... قیام و استقامت در مقابل کی؟ در مقابل اسلام؟ در مقابل جمهوری اسلامی؟ در مقابل قرآن کریم؟ یا اسم قرآن، مجاهده در مقابل اسلام و قرآن؟! یا اسم اسلام، قیام بر ضد اسلام؟! یا اسم آزادی، قیام بر ضد آزادی؟! بیدار بشوید!

تباهی بنی صدر

کرارا من گفتم که بیا برو (بنی صدر) از این گروهکهای فاسد، از این منافقین، تبری کن؛ حیثیت خودت را از دست نده. بیا برو در ملأ عام و اینها را از خود بران. اینها تو را به تباهی می‌کشند. ... و برای اینکه نتوانست بفهمد اسلام یعنی چه و کشور اسلامی یعنی چه و ملت اسلام یعنی چه و ارتش اسلام یعنی چه و سایر قوای مسلح اسلام یعنی چه، این خودش را به تباهی کشاند.

۱۰ تیر ۱۳۶۰: کف و سوت در روز عاشورا

بی جهت نیست که در آن نقطه‌های با اجتماع زیاد روز عاشورا سوت می‌زنند و کف می‌زنند. امام مظلوم ما به شهادت رسیده، روز شهادت امام مظلوم ما، پای نطق و سخنرانی یک نفر آدمی که با آنها دوست است کف می‌زنند و سوت می‌کشند و امریکا را از یاد می‌برند. خط این بود که اصلاً امریکا منسی بشود. یک دسته شوروی را طرح می‌کردند تا امریکا منسی بشود، یک دسته «الله اکبر» را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند آن هم روز عاشورا.^۸

۱۹ مرداد ۱۳۶۰: مصاحبه‌هایی از روی بیچارگی

در هر صورت شما از این حرفهایی که از روی بیچارگی دارد صادر می‌شود و از این مصاحبه‌هایی که از روی بیچارگی

دارد صادر می‌شود و از این بمبهایی که از روی بیچارگی دارد صادر می‌شود هیچ خوفی نداشته باشید؛ برای اینکه اگر ما هم شهید بشویم و کشته بشویم، خوب ما یک اتکایی داریم، اتکائمان خداست و چیزی نیست. اینها در یک کشور سی میلیونی که یک همچو انقلابی کرده، شما می‌خواهید چهار تا بمب هم در نرود، این نمی‌شود همچو چیزی ...^۹

۲۷ مرداد ۱۳۶۰: اگر خمینی را بکشید

... اگر خمینی را بکشند، چه خواهد شد. نه، این حرفها نیست در کار. همه شما بحمدالله، هستید و کشور خودتان را حفظ می‌کنید و مسئله، مسئله اسلام است. در صدر اسلام، یک وقت در یک جنگی فریاد زدند منافقین به اینکه پیغمبر شهید شد. در قرآن آمده است که خوب، پیغمبر شهید بشود، ولی اسلام که هست؛ پیغمبر شهید شد، پیغمبر رحلت فرمود، علی بن ابی طالب شهید شد، اسلام هست. اسلام یک مرتبه‌ای است؛ یک اساسی است که شالوده او را خدا ریخته است و خدا همیشه هست و اسلام همیشه. خداوند حفظ می‌کند این اسلام را، ولو من نباشم، تو نباشی، فلان رئیس نباشد.^{۱۰}

۲۱ آذر ۱۳۶۰: هر معممی دیدید بکشید!

از قراری که گفتند در اعلامیه‌ای که این مجاهدین فاسد، منافقین داده‌اند به افراد خودشان، این است که معمم را بکشید، هر معممی دیدید دیگر سؤال نکنید که این چه کرده، این عمامه خودش جرم است. و این عمامه جرمی است که در سابق هم بود این جرم و لهدا، هدف نوکرهای انگلیس هم در سابق همین بود که این عمامه را از بین بردارند و هر چه صالحتر، بیشتر باید از بین برود. و نکته‌اش هم این است که آن چیزی که آنها از آن می‌ترسند از اسلام است و آن چیزی که باز تشخیص دادند این است که اینها داعی اسلام هستند و اینها به مردم اسلام را یاد می‌دهند و دعوت می‌کنند مردم را به اسلام؛ از این جهت، بیشتر از سایر طوایف مورد نظرشان هست ...^{۱۱}

۸ خرداد ۱۳۶۱: معنای دخالت آمریکا

مگر دخالت چگونه است؟ دخالت شما

این است که صدام و منافقین را فرستاده‌اید. معنای دخالت این نیست که ریگان خودش بیاید.^{۱۲}

۶ تیر ۱۳۶۱: شهدای هفتم تیر

مگر شهدای بزرگوار هفتم تیر در مجاهدات سرسختانه خود و فداکاری بیدریغ در راه هدف چه می‌خواستند جز پیروزی انقلاب و سرنگونی پرچم شیاطنی کفر و نفاق، و جز افتادن ماسک ریا و تزویر چهره‌های کریه و ددمنشان به صورت خلفی و اسلامی؟ چه بسا اگر این شهادت‌های دلخراش واقع نمی‌شد، آنان با همان خوی شیاطنی و با ظاهری فریبنده در صحنه بازیهای سیاسی باقی می‌ماندند و بی‌امان ضربه‌های خویش را به انقلاب و فرزندان راستین آن وارد می‌کردند و برای اسلام و مسلمانان مظلوم سنگ راه می‌شدند و با ضربه نهایی امریکا و دیگر ابرقدرتها جمهوری را شکست می‌دادند، یا لاقفل پیروزی را به عقب رانده و راه را طولانی می‌کردند، ولی این فاجعه غمناک و شهادت‌های پی در پی به پیروزی اسلام انقلابی سرعت بخشید.^{۱۳}

۲۳ مهر ۱۳۶۱: اشک تمساح برای منافقان؟ آنان که به ادعای واهی خود کوس طرفداری از خلق را می‌زنند و با خلق خدا آن می‌کنند که همه می‌دانند، در این جنایت عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خلمتگرار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله (حضرت آیت الله اشرفی اصفهانی) چه قدرتی کسب می‌کنند و چه طرفی می‌بندند؟ و آنان که در سوگ این جنایتکاران اشک تمساح می‌ریزند و از جریان حکم خدا درباره آنان شکایت دارند، چه انگیزه‌ای دارند؟ آیا انتقام از جمهوری اسلامی به شهادت رساندن یک عالم پارساست، و به آتش کشیدن یک عده کودک و زن و مرد و توده‌های رنجکش است؟! آیا راه به حکومت رسیدن و قدرت را به دست آوردن، این نحوه جنایات است؟!^{۱۴}

۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۲: تحیر دستگاه‌های اطلاعاتی

جوانان ارجمند و عزیز ما در جبهه‌های



به نام کسی که خود هدف بودم!

اسمی که مردم گذاشتند

این گروهی را که ملت ایران از سال شصت، بحق اسم «منافق» گذاشت، آنها همین جور بودند. تفکری را نشان می دادند که آن را تفکر اسلامی معرفی می کردند. در افکار آنها نشانه های اسلامی از قرآن و نهج البلاغه بود و دلایلی می آوردند که هرکس خیال می کرد آنها مؤمن بالله هستند؛ وقتی که دقیق می شدیم می دیدیم نه، مطلقاً خبری از تفکر اسلامی در کار آنها نیست. ظواهر اسلامی ولی باطن، تفکر مارکسیستی بود- هم در اصول، هم در فروع، هم در شیوه ها، هم در اخلاق- لذا به آنها گفته شد «منافق»؛ و درست هم بود.

در کشور در آن وقت، احزاب و گروههای کمونیستی بودند، خودشان هم اعلان می کردند؛ ولی ایدئولوژی منافقین به قول خودشان، ایدئولوژی مارکسیستی بود و اعلان نمی کردند! تظاهر می کردند که اسلامی است. شاید بعضی از عوامشان و افراد سطح پایینشان واقعا هم خیال می کردند که اسلامی هستند، لیکن آن کسی که آگاه بود، می دید که نیستند. این تسمیه به «منافقین» برای آنها، بهترین و مناسب ترین تسمیه بود که آن روز در واقع از دل مردم برخاست و روی آنها ماند تا امروز. ۱۳۷۷/۷/۲۶

شهادت ۷۲ تن

اثر نقد و فوری این شهادت این بود که نظام اسلامی در آن واحد، هم خلوص بیشتری پیدا کرد، هم حقانیت او ثابت شد، هم واقعیت او در جامعه استقرار پیدا کرد. خاصیت این شهادت، این بود. نقابها از چهره ها افتاد، منطق مستحکم جمهوری اسلامی و منطق امام بزرگوار تثبیت شد و نظام نوپای جمهوری اسلامی، آن روز استحکام پیدا کرد؛ و توانست حرکت کند. در آن شرائط دشوار، در حالی که دشمن

داخلی از عمق جنگلهای وسیع تا بیغوله ها و پناهگاههای بزرگ منحرفان غافل از خدا، از دمکرات و کومله تا منافقین و فدایی خلق و حزب خلق به اصطلاح مسلمان تا حزب توده و سایر گروهکهای کوچک و بزرگ را با فداکاریها و خدائلیها انجنان قلع و قمع کردند که دنیا را با همه دشمنیها که دارند به اعجاب و تحیر درآوردند. توجه به کارآمدی امنیتی و اطلاعاتی این جوانان گمنام پاسدار و بسیج و کمیته و دادستانی و دیگر دلباختگان در راه خدا در به دام انداختن سران خیانتکار حزب توده که چون مار پر خط و خال در براندازی اسلام فعالیت منافقانه داشتند و هر یک سابقه های طولانی بیست- سی ساله در جهات تشکیلاتی و اطلاعاتی و جاسوسی داشته اند و از تخصص در این امور بهره وافی داشتند. موجب سرفرازی امت اسلامی است که چنین فداکارانی دارد و اعجاب و تحیر دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی سراسر جهان است و این اعجاز جز به هدایت حق تعالی و عنایات خاصه ولی الله الاعظم- ارواحنا فداه- صورت نگرفته است.^{۱۵}

پی نوشت ها:

- ۱- روح الله الموسوی الخمینی. پیام هفت ماده ای درباره اولویت دفاع مقدس و پرهیز از اختلافات مسئولان (اختلاف ابوالحسن بنی صدر با نخست وزیر و مسئولان دیگر قوا). صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۲۵۴-۲۵۶.
- ۲- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۵۳-۴۵۲.
- ۳- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۵۴.
- ۴- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۵۶.
- ۵- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۷۵.
- ۶- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۸۴.
- ۷- صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۸۷.
- ۸- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۹ و ۳۰.
- ۹- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۹۸.
- ۱۰- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۱۱۱.
- ۱۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۲۵.
- ۱۲- صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۲۷۱.
- ۱۳- صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۳۶۲.
- ۱۴- صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۵۰.
- ۱۵- صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۲۲.

- دشمن نظامی، متجاوز - خود را در بخش مهمی از منطقه حساس خاک جمهوری اسلامی پهن کرده بود - ببینید چه شرائطی بود آن شرائط دشوار، و چه حادثه ای بظاهر تکان دهنده ای بود - اما این شهادت، چه تأثیر سازنده و عظیمی را بر انقلاب گذاشت. ۱۳۸۹/۴/۷

کارگراها، بازوی انقلاب

کارگراها در جامعه، یک قشر آگاه محسوب می شوند. من این قشر را جزو گروههای روشنفکر - به معنای عام آن - می دانم. در ابتدای پیروزی انقلاب، مارکسیستهای آمریکایی سرمایه گذاری روی این قشر را شروع کردند. قصد آنها این بود که این دست کارآمد و بازوی قوی را از انقلاب بگیرند، و اگر بتوانند، آن را علیه نظام به کار بندند؛ خیلی هم تبلیغات می کردند. اگر قرار بود این تبلیغات مؤثر واقع شود، می باید حداقل یکی دو سال اول انقلاب، در واحدهای صنعتی کشور بی کاری مزمن می داشتیم. ۱۳۶۸/۴/۵

روش امام، روش امیرالمومنین بود

همین طور که در روش امیرالمومنین عرض کردیم، روش امام (رضوان الله علیه) هم همین جور بود؛ یعنی اول با مدارا، با نصیحت؛ لیکن آن وقتی که اقتضاء کرد، برخورد کرد. یک گروه مربوط به دولت موقت بودند و مشکلات آنها بود، یک گروه آن کسانی بودند که علیه لایحه ی قصاص آن حرکت را انجام دادند، یک گروه حتی کار را به ترور و درگیری های خیابانی کشیدند؛ با هر کدام از آنها امام یک نحوی برخورد کرد. در سطوح بالای حکومت هم بود؛ نخست وزیر بود، رئیس جمهور بود، حتی بعدها در اواخر عمر امام (رضوان الله علیه) در سطوح